

Rozatosefat and the Iranian Garden

(Qazvin Gardens as Narrated by AbdiBeig)

مقدمه

شاه طهماسب صفوی به علت وجود مخاطراتی که از سوی حکومت های عثمانی و روسیه متوجه تبریز بود، پایتخت کشور را در سال 951 ق از آن جا به قزوین منتقل کرد و دستور داد که باغ ها و فضاهای لازم برای بخش سکونتگاهی و دیوانی و سایر عرصه ها ساخته شود. وی عده های خویشاوندان نزدیک خود را تشویق کرد که باغ هایی از بزرگان کشوری و حکومتی بسازند. گویا در اطراف باغ سعادت در کنار باغ های سکونتگاهی وجود داشت که چهارده باغ در شرق کاخ اصلی و نه باغ آباد حدود بیست و سه باغ و گلزار کنار این مجموعه، میدان شاه و میدان اسب نیز ساخته شد در غرب آن کاخ وجود داشت. در

شاعری به نام خواجه زین العابدین علی نویدی معروف شاه طهماسب از تبریز (متوفی 988 ق در اردبیل) خواست که مجموعه باغ به عبدی بیگ متولد 921 ق در منظوم وصف کند. وی در چند منظومه از جمله روضه های قزوین را به زبان به توصیف برخی از باغ ها و الصفات و دوحه الازهار نسبت در دوحه فضاهای درون و مجاور آن ها اقدام کرده است. او آن الازهار به صورت نسبتاً دقیق بخش هایی از این مجموعه بزرگ را که به عنوان شهر جعفرآباد اشاره شده، توصیف کرده است، اما در روضه الصفات پس از اشاره ای مختصر به باغ سعادت آباد و برخی ساختمان صورتی بسیار اجمالی و کوتاه به حدود بیست و دو باغ دیگر اشاره کرده است های آن، به متن به معرفی اجمالی روضه الصفات اختصاص داد این

ابتدا ابیاتی در مدح پادشاه و توصیف کلی باغ در آغاز کتاب روضه الصفات سعادت آباد نخست به کاخ آن که گویا آورده شده است. سپس درباره مجموعه کاری مزین شده بود. اشاره شده است و سپس دارای قبه (گنبد) بوده و با شمشه و مقرنس که خارج از این خانه بوده و به صورت مستقیم کوچه یا خیابانی مورد توجه قرار گرفته

کاشته شده بود. در دو طرف این خیابان دو درگاه ساخته شده و در دو سوی آن درختانی
،دولت سرا و دیگری درگاه باغ سعادت بود ورودی قرار داشت، که یکی درگاه

سپهر شرفه بامش شرف ماه و مهر قبه قصرش زده سر با

ساخته تمثال فلک بر زمین سایه حق پادشه ملک و دین

بملک توامان کنگر طاقش به فلک همزبان طایر بامش

زفرش عکس پذیر آمده فرشش زعرش صورت عرشش شده ظاهر

شمسه او شمس صفت تابناک در دل شب ذره برآرد زخاک

ابر وی طاقش زمقرنس بچین حادثه را کرده گریزان بچین

از غایت صافی چوآب هر طـرفش نقش منبت حباب سقف وی

زکتابه نقوش ساخته تمثال طیور و وحوش بر سر هر در

(146-153)

این خانه جنت مثال کاخترش از هر نه بیند و بال خارج

مسرت فزای کرد ملال از دل مردم زدای کرده خیابان

نشان گشته خیابان به فلک کهکشانشان همچو فلک خطه مینو

دیده از رو دیده وران کوچه آراسته از خرمی

بی غمی

(162-165)

شاه از آن کوچه چون کهکشانشان داده ره راست بمردم نشان

این گونه فتاده بدست راست روی کرده و هرکه هست چون رهی

راست ساخته رانسان که خرد راهواست از دو طرف خاسته دیوار

یکسر مو نیست تفاوت درو گرسر پرگار نهی از دو سو
دل گردون دو نیم از طریفینش دو خط مستقیم گشته زرشکش
قفس شاخ درختان ز دو سو عرش رس گشته پی طایر قدسی
باز شاه خیابان چنین کرده ساز یا دری از خلد برین کرده
فزا از طرفی درگه دولت ســرا در طرفی باغ سعادت
سوی گشته در درگه ز دو سو روبه روی غلغله انداخته در چار

(182-190)

طراحی آن اشاره شده در توصیف باغ سعادت آباد ابتدا به ساختار داشت که دو است. این باغ همانند سایر باغ های ایرانی طرحی شطرنجی شکل بود. در حاشیه راه محور اصلی آن به صورت متقاطع سطح باغ را به چهار بخش تقسیم کرده های های اصلی مستقیم با خیابان ها با انواع گیاهان و گل ،تزیینی پرنقش و نگار شده بود و جوی آبی در کنار آن ها جاری بود

عرصه این روضه عشرت مدار تخته نردیست به نقش و نگار

سطح متقابل دو چار چار خیابان از دو سطح آشکار گشته دو

خوانده همه نقش مراد اندرو کار جهان دیده گشاده اندرو

فیض جوی نی غلطم تخته نردش مگوی زانکه به پیش نظر

صفحه نظمیست بسی دلپسند ناظم آن طبع شه ارجمند

جدول این صفحه فرخنده فال چارطرف جوی پرآب زلال

مسطرش سبزه و ریحان خط جان پرورش مرز عیان چو اثر

عقل آمده حیران درو فاصله نظم خیابان درو دیده

خیابان محیط آمده از خدا بساطی بسیط بر وی از اطراف

نگار شکل خیابان زمین و یسار حاشیه اش گشته بنقش و

جوی زهر سو شده زنجیره اش دیده ادراک شده خیره
اش

(198-208)

ب غ به طور معمول در باغ های طراحی شده به ویژه
عمارتی کوچک های حکومتی سکونتگاهی غالباً از ورودی اصلی که در بیشتر موارد برای آن
یا متوسط طراحی و احداث می کردند و آن را عمارت سردر می
مستقیم خواندند، تا ساختمان اصلی که در بیشتر موارد عمارت کوشک بود، یک راه اصلی
شناخته می شد. در جلوی جبهه اصلی ساختمان کوشک یک حوض ساخته می
می شد. در برخی از موارد در هر یک از چهار جبهه اصلی عمارت کوشک یک حوض قرار داده
شد.

مستقیم و در راستایی در باغ سعادت نیز یک خیابان از در ورودی تا حوض به صورت
عمود بر آن احداث شده و آن جنوب شمالی ساخته شده بود که خیابانی دیگر در وسط آن شکل
عرصه و سطحی مربع شکل پدید را به دو نیم مستقیم کرده بود به نحوی که در وسط باغ
آمده بود.

به سر حوض خیابان کشان از در این روضه جنبه نشان تا

به حد شمال راست راهی از پی کسب کمال آمده از قبله

نیم تا به سر حوض خطی مستقیم کرده به عرض خط دیگر دو

گشته خیابان دگر زان عیان از حد مغرب سوی مشرق کشان

در وسط باغ به وضعی سعیتد گشته یکی سطح مربع پدید

تاک سرافراخته سایه به هر کنج وی انداخته قائمه

(213-218)

موسوم به در وسط عرصه مربع شکل پدید آمده از تقاطع دو خیابان باغ، عمارتی
بر روی صفه ارشی خانه که شاعر آن را خانه شاهانه نامیده شکل گرفته بود. این عمارت
استقرار می ای ساخته شده بود تا بالاتر از سطح زمین باشد تا کسانی که در آن
ساختمان در روی صفه یابند به فضای باغ دید مناسبی داشته باشند. شاعر نحوه قرارگیری
است را به استقرار یک فرد عالی مقام بر روی سریر تشبیه کرده

چهارگوشه آن در وسط این ساختمان حوضی به شکل مربع قرار داشت که چهارستون در

هدایت می واقع بود. در سقف این فضا گلجام هایی بود که نور را به درون کرد. جریان آب از این ساختمان بیرون می رفت و به جوی های درون باغ را می یافت. این ساختمان دوازده پنجره داشت و در بالای پنجره نیز جامی ساخته شده بود. می توان حدس زد که در هر یک از چهار جبهه یک سطح با سه پنجره به صورت سه دری یا با ترکیبی دیگر قرار داشت عمارت

فضای داخلی این عمارت با نقش ها و نگاره روی سطح نقاشی از انواع گل ها مانند لاله و های گوناگون تزیین شده بود. در این شیر و پلنگ و آهو استفاده شده بود نیلوفر و نیز از تصویر برخی جانوران مانند

خانه زیننده شاهانه در وسط آن ارشی خانه

بزرگی که بود بر سر بر زیر صفا خاطرپذیر همچو

نماید گذر آب که از حوض نهد روبدر جانب این خانه

شاهانه است حوض مربع که در ین خانه است مرکز این خانه

بهشت خانه بهشتیست همایون سرشت حوض چو کوثر که بود در

چارستون نصب بر اطراف حوض عکس نما در دل شفاف حوض

نور فشان بام ز گلجام وی روی نما مهر و مه از بام وی

مهر کند جا چو بنصف النهار جام فروزنده شود
فیض بار

عکس بر آب افکند از نازکی آب کشد در برش از چاپکی

زقواری بر بهشتش دلیل وین بگوارندگی سلسبیل آن

دو پنجره اش روشنی برده و دو برج فلک از ده و
مبتنی

سر هر پنجره جامی چو مهر سرخوش از آن جام شده نه سپهر بر

همه پر نقش و زیب حوض زعکسش شده مانی فریب سقف و کنارش

بند روم آمده اندر خور هم برگ و بوم دیده از اره زرقم
امان بوی وی ایمن ز حدوث زمان برگش از آسیب خزان در
شمار لاله و نیلوفر و گل بی
طرفه جهانپست همیشه بهار
جووی آهو تا زنده او مشکبوی جانور وحشی او انس
ضرر کرده در و عدل شهنشه اثر شیر شکوهنده او بی
بسته در وحشت و بیگانگی رنگ و پلنگ از ره همخانگی
سیمرغ موافق بهم باز و بطش گشته معانق بهم اژدر و
خیابان دو شود در گذر آب از زین خانه چو آید بدر بهر
خاطر آگاه را باد و زبان مدح کند شاه را فیض دهد
خیابان شود تابدر باغ خرامان شود انجمن آرای
(219-241)

ایوان صفت سر حوض و

از آن، گویا در امتداد ارشی خانه یا در فاصله ای نه چندان دور
شدن ایوانی ساخته شده بود به گونه ای که شاعر اشاره کرده که پس از خارج
از ارشی خانه و زمانی که به وسط خیابان رسید به سوی ایوان روی نهاد و
آن صفا نمایان شد.

رسید چون بمیان جای خیابان رسید خضر بسر چشمه حیوان

را کرده تماشا ارشی خانه را داد تسلی دل دیوانه

نهاد روی از آنجا سوی ایوان نهاد چشم بر آن قبله احسان

شد صفه شاهانه پدیدار شد جان و دل از عیش خبردار

اختیار آب روان دید که از آبشار کرده در و سیر وسط
بشیب آب از آن صفه بصد حسن و ریب رفته زمعراج خرامان
موج نما آب وی از آبشار سینه دلبر شده چپ راست
دار

(251-257)

مربع شکل و در هر یک از دو طرف ایوان، یک در درون یا بیرون ایوان مزبور حوضی
دیگری نیز در جبهه شمالی همین محوطه وجود داشت و ایوان دیگر ساخته شده بود. ایوان
ارتباط با حوض مربع شکل قرار داشت که آب از حوضی به حوض حوضی به شکل هشت ضلعی در
•ریخت دیگر می

رفت بر ایوان و برافروخت سر حوض مربع به نظر جلوه
گر

بهمراهیش بر شده ایوان شهنشاهیش عمر طلب خضر
مشکلی صفه شاهانه چو دریا دلی از دل وی حل شده هر

(261-263)

گشته دو ایوان دگر آشکار پهلوی ایوان زمین و یسار
ساخته ایوان دگر بر شمال بر سر آن منظره فرخنده فال
حوض آورد از هر دو سوی از چپ و از راست درآید دو جوی روی به
بخدمت کمر از دو طرف جوی بهم آورده سر بسته زتعظیم
کمر اتصال حوض مثنی شده پر زان زلال یافته بر قرص
دگر آب از آن حوض برآورده سر ریخته زلف بحوضی
شده حوض مربع چو لبالب شده آئینه صاف مرتب

(269-317)

هر یک از باغ های همجوار شاعر در ادامه این بخش به صورت مختصر به نکاتی مربوط به طراحی آن باغ سعادت را مورد اشاره قرار داده که در چند مورد وی ابتدا باغی موسوم به «ها توجه کرده که برخی از آن نکات آورده می شود .نذر امام هشتم (ع) بوده است باغ امام (ع) را توصیف کرده و اظهار داشته که این باغ «هشت بهشت تشبیه کرده است او به چمن هشت ضلعی وسط آن توجه نموده و باغ را به

این باغ را به بهشت تشبیه باغ میر علی در کنار امام قرار داشت. شاعر مثنی بود کرده و اظهار داشته که طرح میان آن چمنی به شکل دو

امام پهلوی این روضه جنت نظام کامده مشهور به باغ

برین قطعه دیگر چو بهشت برین خوانده بر آن قطعه بهشت

کسکنی یافته ز و چشم فلک روشنی زیب دهشت میر علی

یاسمن طرح میانش دو مثنی چمن چو دو بهشت از گل و از

(314-317)

دیگری بوده که تالاری در وسط آن قرار داشته گویا در جبهه شمالی باغ امام باغ عرصه واقع در محل تقاطع چهار خیابان است. به نظر می رسد این تالار در «باغ قرار داشته است

باغ امام از شمال قطعه دیگر به هزاران جمال آن طرف

مقاطع بهم برده درختانش بگردون علم چار خیابان

ملوکانه وه که نه تالار ارم خانه ساخته تالار

چنار ارجمند با ده و دو برج سپهر بلند هر طرفش از سه

(323-326)

نشین و به درباره باغ مرادبیگ به چمن هشت بخش آن با عنوان شاه
چهار مربع چمن که در چهار طرف باغ بوده اشاره کرده است

شاه نشین چمنی هشت بخش از همه گلهاش فلک داده بخش

چار مربع چمن هر طرفش بید و گل و یاسمن چار طرف

آثار صنع خامه او کاتب اسرار صنع داده نشان نرگس از

(334-336)

توصیف باغ به درختان به چمن مربع شکل در وسط باغ و چمنی مدور اشاره شده در
موقعیت چمن اخیر مشخص نشده است است که

گشته بران نارون در وسط باغ مربع چمن سایه فکن

شمردن توان نخله امروود فراوان دران از همه نوعی که

ارجمند باز مدور چمنی دلپسند در وسط آن سه چنار

اثر گردِ برگردش زده گیلای سر در دل گردون زفروغش

-(323-326)

که نخستین آن در سمت مغرب باغ سعادت چند باغ و عمارت قرار داشت
جویی از سمت شمال به ها باغ بهرام میرزا و خانه شروانی آن بود. در باغ بهرام میرزا
شروانی در اقصا و میان آن سوی قبله در وسط خیابان قرار داشت و صفه شاهانه و خانه
جایی داشت

آمده جویی پرآب زلال روبسوی قبه ز صوب شمال

ساخته در جانش جای در دل خود داده خیابانش جای بلکه نه دل

اندر میان صفّه شاهانه در اقصای آن خانه شروانش

زالال خانه مگو پاک ضمیری به حال در دل او حوض پر آب

خانه شاهانه گردون فضا عرض صفت بر سر کرسیش جا

(323-326)

چون ضمير هر طرفش پنجره دلپذير فيض ده و فيض ستان

سرزمين چارطرف باغ چو خلدبرين هر گل و هر ميوه دران

نمود ياسمن زرد و سفيد و كبود چون فلک و صبح کواکب

(460-462)

شده بود که بر روی یکی نقوش خطایی در کنار باغ بهرام میرزا، دو ایوان ساخته کنار حوضی که در این عرصه قرار داشت و بر دیگری شکل وحوش و طیور نقش بسته بود. در بود و در دو سوی ایوان همایونی دو گنبد تالار و در طرف شمال حوض، دکانی ساخته شده بود.

روضه مینو سرشت کامده از فیض چو باغ بهشت پهلوی این

ارتفاع در فلکش بامه و مهر اجتماع بر شده ایوان سپهر

مکان داده به مردم ز دو عالم نشان بر سر هم کرده دو ایوان

غیرت این گنبد نیلی رواق گشته زکاشی گری پیش طاق

شکل طیور و وحوش بر یکی از اصل خطایی نقوش بردگری

(465-469)

عالی مکان آمده چو وحی فروز آسمان فیض بر آن صفه

سینه پرفیض و دل اهل حال صفه درو حوض پر آب زلال

برده زدل صبر و زخاطر سکون بر شده تالار به حوض اندرون

طراز شمع به فانوس درون رفته بتالار بتان
سرفراز

(480-483)

المثال بر لب آن حوض زسوی شمال ساخته دکان عدیم
گام بسته یکی جسر بزیب تمام تا بتوان زد سوی تالار
دار آب بر جسر شده استوار همچو برو سینه جسر است
(492-498)

کامده لایق بهزاران ثنا هر سوی ایران همایون بنا
همه کارجهها ترانوی ساخته دو کنبدی خسروی زان دو
دو ابروی یار هر یک از آن را پس طاقی قرار گشته دو طاقش چو
بلند بر سر هر گنبدی دلپسند کامده چون گنبد گردون
استادی اهل هنر ساخته بغدادی کرده زهر وادی
خانه در خور هر خانه شاهانه کامده از لطف ارم
ساخته ایوان شهنشه نشین طاق فلک بر در او
ره نشین

(492-498)

مجموعه بود که چمن مدوری در باغ قاجار یکی دیگر از باغ های این
بود مرکز باغ قرار داشت که با گل و یاسمن مزین شده

بهزاران صفا پهلوی آن باغ بهشتی ضیا روضه دیگر
و یاسمن مرکز آن روضه مدور چمن دایره گردش زگل
خجل عرعر و بیدش بفلک متصل سدره و طوبی زچنارش

(551-553)

مفهوم فضایی دلنشین استفاده شده در توصیف چمن قاسم بیگ از واژه هشت بهشت به است.

وسیع یافته ابداع طبع بدیع پهلوی این جنت دیگر

چمنی دلپسند بید و چنارش بفلک سربلند کرده مثن

مثن دو جوی هشت بهشت آمده زو فیض جوی گشته بر اطراف

خاک پایه رسانده زسمک تاسماک سرزده تالار روی از برج

(558-561)

باغ سید میرزا در کنار چمن قاسم بیگ قرار داشت. در وسط چمن این باغ خرگاهی (خرگه) بود که به عنوان عشرتکده شاهی نیز قابل استفاده بود. خصوصیات این خرگاه توضیح داده نشده است.

شاهنشاهی در وسط آن چمنی خرگهی لایق عشرتگده

رفیع هر طرفش هشت بهشتی وسیع خاسته هر گوشه درختی

کنار آمده اقسام فواکه ببار خاسته صد رنگ گل از هر

(567-569)

مأخذ:

الصفات، مقدمه از ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، عبدی بیگ شیرازی، روضه دانش 1974 مسکو، انتشارات

- مرکزی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران



نویسنده متن: عیدی بیگ

